

۱۴۴۲۷۸۹: ۲ و ۳



سلسله تکرنگاشت‌های
الگوی اسلامی ایران پیشرفت

مبانی انسان‌شناختی پیشرفت در حکمت متعالیه

اردیبهشت ماه ۱۳۹۵

رہبر فرزانه انقلاب اسلامی:

باید در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت
بر چهار عرصه‌ی فکر، علم، معنویت و زندگی تکیه شود
که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه‌ی عرصه‌ها است

در دیدار اعضای شورای عالی
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۱۳۹۱/۱۲/۱۴

عنوان	مقاله: انسان‌شناسی پیوسته در حکمت متعالیه (نگارش محبی بوذرجمهری - آید دیگران) :
مشخصات نشر	آید سارشت مرکز الگوی اسلامی اراتی پیوسته
مشخصات ظاهری	تهران : مرکز الگوی اسلامی اراتی پیوسته، انتشارات پیوسته، ۱۳۹۵
فهرست	۹۶ : مقدمه، جدول، موبار.
شابک	۹۶ : یک نگاهت‌های الگوی اسلامی اراتی پیوسته: ۷۶
تاریخ ثبت	۹۷۱-۶۰۰-۷۶۱۱-۰
وضعیت	پایان
یادداشت	نگارش محبی بوذرجمهری، آید الفایده سوز ایامی، مسلم ظاهری، آید یونیدی.
یادداشت	۷۶ : ۰-۶
موضوع	موضوع : انسان‌شناسی، پیوسته در حکمت متعالیه (نگارش محبی بوذرجمهری - آید دیگران) :
موضوع	موضوع : Theology - Islamic anthropology
موضوع	موضوع : انسان‌شناسی، پیوسته در حکمت متعالیه (نگارش محبی بوذرجمهری - آید دیگران) :
موضوع	موضوع : Philosophy, anthropology
موضوع	موضوع : حکمت متعالیه
موضوع	موضوع : Transcendent philosophy
موضوع	موضوع : انسان (اسلام)
موضوع	موضوع : Theology - Islamic anthropology
موضوع	موضوع : فلسفه اسلامی - قدیم
موضوع	موضوع : ۱۳ : قدیم
موضوع	موضوع : Islam, philosophy - Eastern - 20th century

سلسله تک نگاشت های گوی اسلام آبادی میسرقت:

مبانی انسان‌شناختی پیشرفت در حکمت متعالیه

نگارش: دکتر یحیی بوذری نژاد (دانشیار دانشگاه تبریز)
 ابوالقاسم میرزا ابابایی / مسلم طاهری / الهه مرادی

ناشر: نشر الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نوبت چاپ: اول، اردیبهشت ماه ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شایک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۱۱-۷۶-۰

قیمت: ۵۰۰۰ ریال

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۶۳۴۰۰۸ - ۰۲۱ ۸۸۰۱۴۶۴۸

www.olgou.ir

Email:olgou@olgou.ir

نشانی: تهران، خیابان جلال آل احمد، روبه روی بیمارستان شریعتی، شماره ۳۵

تمامی حقوق این اثر متعلق به مرکز الگوی اسلامی ایرانیه پیشرفت است.

مسئولیت دیدگاه‌های بیان شده در این تک نگاشت بر عهده مؤلفان محترم است.

پیشگفتار

تعیین مبانی، ارکان، چارچوب و مسیر پیشرفت کشور در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باید با مشرکت گسترده و حضور همه جانبه دانشمندان، محققان، نخبگان دانشگاهی و حوزوی و جوانان این مرز و بوم صورت گیرد. به گواه تاریخ و تجارب گذشته، پیشرفتی همه جانبه و پایدار خواهد بود که مبانی اسلامی و اقتضائات ایرانی در آن توأمان مورد توجه باشد.

اینک مرکز الگوی اسلامی، انی پیشرفت در آستانه اتمام سه سال تلاش های علمی، تخصصی و فکری درباره پیشرفت اسلامی ایرانی، برگزاری نشست های علمی و تخصصی، تاسیس اندیشکده های مرکز، انتشار صدها مقاله، زشمند و تهیه نقشه راه تدوین الگو و انجام برخی از مراحل آن، در نظر دارد با هدف تولید دانش و گسترش و تعمیق ادبیات موضوعی در حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آثاری را به صورت تک نگاشت های علمی فاخر منتشر نماید. تک نگاشت نوشتاری تخصصی و نیمه مبسوط است که توسط یک پژوهشگر خبره در یک موضوع خاص نگاشته می شود. تک نگاشت از نظر حجم و محتوا بعد فاصل مقاله و کتاب است و نویسنده با پردازش و تحلیل یافته ها و مطالعات تخصصی پیشین را ازودن یافته های پژوهشی جدید خود و تحلیل جامع و منسجم آنها افق های تازه ای را در زمینه مورد بررسی می گشاید. سلسله تک نگاشت های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در مجلدات مختلف منتشر می شوند، حاصل تلاش جمعی از استادان، اندیشمندان و محققان دانشگاهی و حوزوی است که مراحل مختلف نگارش، ارزیابی، ویراستاری، تدوین و انتشار را با نظارت متخصصان و اهل فن گذرانده است و در اختیار صاحب نظران قرار می گیرد. در پایان از مساعدت ها و تلاش های ارزنده نویسندگان تک نگاشت ها و داوران و مراکز مختلف علمی و پژوهشی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این سلسله یاری رساندند، تقدیر و تشکر می شود. امید است این محتوای علمی بتواند افق های نو و روشنی را در پیش چشم متخصصان دانشگاهی و حوزوی بگشاید و هر روز در طی مسیر تدوین و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گام های بلندتر و استوارتری برداشته شود.

فهرست

۷	خلاصه
۹	مقدمه
۱۴	هدف کلی
۱۴	اهداف جزئی
۱۴	پرسش اصلی
۱۴	پرسش‌های فرعی
۱۵	فصل اول: بررسی تحولات انسان‌شناسی در غرب
۱۵	مبحث اول: بررسی روند تغییرات دیدگاه غرب نسبت به انسان
۲۰	نتیجه‌گیری فصل اول
۲۳	فصل دوم: بررسی مدل‌های توسعه و تاثیر انسان‌شناسی بر آن‌ها
۲۴	مبحث اول: نظریه‌های توسعه
۲۵	گفتار اول: نظریه تکاملی
۲۵	گفتار دوم: نظریه امپریالیسم
۲۶	گفتار سوم: نظریه نوسازی
۲۷	گفتار چهارم: نظریه وابستگی
۲۹	گفتار پنجم: نظریه نظام جهانی
۳۱	گفتار ششم: نظریه پساتوسعه‌گرایی
۳۲	نتیجه‌گیری فصل دوم
۳۵	فصل سوم: مبانی انسان‌شناختی سعادت و پیشرفت در حکمت متعالیه
۳۵	مبحث اول: تعریف حکمت متعالیه
۳۶	مبحث دوم: هستی‌شناسی در حکمت متعالیه
۳۷	گفتار اول: اصالت و وحدت وجود

۳۸	گفتار دوم: امکان فقری
۴۰	گفتار سوم: عمومیت و شمول علم و اراده و حیات و شعور و دیگر کمالات وجودی
۴۱	گفتار چهارم: قاعده بسیط الحقیقه کل الاشیاء و لیس بشی منها
۴۲	گفتار پنجم: حرکت جوهری
۴۵	گفتار ششم: تأثیر حرکت جوهری در حکمت متعالیه
۴۹	مبحث سوم: معرفت‌شناسی در حکمت متعالیه
۴۹	گفتار اول: حقیقت علم
۵۱	گفتار دوم: اتحاد عاقل و معقول
۵۴	مبحث چهارم: الیهات در حکمت متعالیه
۵۴	گفتار اول: برهان صدیقین
۵۶	گفتار دوم: علم تفصیلی خداوند به موجودات قبل از ایجاد آنها
۵۷	مبحث پنجم: اندیشه‌شناسی در حکمت متعالیه
۵۷	گفتار اول: قوس انسان
۵۸	بند ۱: نفس نباتی
۵۸	بند ۲: نفس حیوانی
۶۳	بند ۳: قوه عقل
۶۵	بند ۴: قوه اختیار
۶۹	گفتار دوم: قوس نزول و قوس صعود هستی
۷۴	گفتار سوم: انسان کامل در ادیان غیر اسلامی
۷۷	گفتار چهارم: انسان کامل، در حکمت متعالیه
۸۱	نتیجه‌گیری
۸۹	منابع

خلاصه

منطق تحول پیشرفت یک جامعه از نگاه حکمت متعالیه که ترکیبی از آموزه‌های وحیانی و عقلانیت برهانی است، با هر معنی و مفهوم و هر الگو و استراتژی از توسعه نمی‌تواند همگامی و همراهی داشته باشد؛ زیرا آخرت در منظر این مکتب نه تنها با دنیا تعارض ندارد بلکه آن دو را مکمل هم می‌پندارد. به عبارتی انسان تنها از طریق طی مسیر دنیا است که می‌تواند به کمال غایی خود برسد. هدف و جهت توسعه از این منظر عبارت از ارتقاء مستمر یک جامعه یا نظام اجتماعی به سوی یک زندگی بهتر و انسانی‌تر است و از آنجاییکه نقش انسان در ساختن چنین جامعه‌ای بر است، چنان توسعه‌ای مورد نیاز است که در تمامی ابعادش، اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، راه را برای تحقق استعدادها و قابلیت‌های انسان میسر سازد. اما مسائلی که امروز تحت این ایده‌آل انسانی را مخدوش نموده است را می‌توان در قالب سوالات زیر صورت‌بندی نمود: بشر امروز پس از این همه موفقیت‌های علمی، دردمندانه می‌نالد. از چه می‌نالند؟ کس است و کمبودهایش در کدام ناحیه است؟ آیا جز در ناحیه‌ی خلق و خوی و آدمیت است؟ در پاسخ می‌توان گفت، انسان امروز با همه‌ی پیشرفت‌های معجزه‌آسا در ناحیه‌ی علم و فن، از لحاظ انسایت گامی پیش نرفته، بلکه به سیاه‌ترین دوران خویش بازگشته است؛ با یک تفاوت، و آن این که از برکت قدرت علمی و فلسفی و ادبی خویش، برخلاف گذشته، تمام جنایت‌ها را در زیر پرده‌ای از تظاهر به انسانیت و اخلاق، نوع‌پرستی، آزادی خواهی و صلح دوستی انجام می‌دهد. این یکی از تناقضاتی است که منطق بشر امروز گرفتار آن است. لذا ریشه مشکلات امروز بشر را در همین جا باید جست، همچنان که ریشه‌ی نیاز بشر به دین و معنویت و ایمان به خداوند متعال را نیز در همین جا باید به دست آورد.

یک برنامه پیشرفت قابل قبول، ضمن تعریف صحیح مبدا، مقصد و سعادت انسان، به امر

معاش دنیا که از ضروریات معاد است، نیز می‌پردازد؛ و شناخت سعادت و کمال انسان در گرو معرفت نفس است؛ و نفس، باب الله الأعظم و معرفت نفس، مادر تمام حکمت‌ها و اصل تمام سعادت‌هاست.

بر اساس الگوی سعادت در حکمت متعالیه، انسان دارای قوای مختلفی است که محصول حرکت جوهری و تکامل وجودی انسان هستند. لذت و خیر هر قوه، ادراک امر ملائم با طبع و جوهر آن است. در این بین، نفس ناطقه (قوه عقل) از لحاظ وجودی در مرتبه بسیار بالاتری نسبت به نفوس نباتی و حیوانی قرار دارد؛ لذا غایت مطلوب انسان، غایت عقلی است و اساس و ریشه هر نوع سعادت، عقل است؛ البته نه هر عقلی، عقلی که منقاد و مطیع و فرمانبردار از عقل عالی، مبدأ المبادی باشد. به همین دلیل، اصل سعادت و خیر، طاعت خداوند بعد از معرفت از وی است. به همین جهت، به مرحله «عقل مستفاد» است.

سعادت که یک امر استیلائی و غیر نظری است و از طریق تعلیم و تربیت کسب می‌شود، دارای دو قسم دنیوی (شامل سعادت بدنی و خارجی) و اخروی (شامل سعادت عملی و علمی) است. پیشرفت، نیز که رابطه تنگنایی با سعادت دارد نمی‌تواند تک‌بعدی باشد؛ و وظیفه حکومت‌ها، تامین سعادت دنیوی را برای افراد از بین بردن عوامل فراموشی خداوند است که البته از طریق دو اقدام اساسی حاصل می‌شود.^۱ قانون‌گذاری بر اساس وحی الهی و عقلانیت و ۲. دفع مفاسد برهم‌زنندگان اسباب دین و معیشت مردم.

با توجه به اینکه کمتر پژوهش‌گری به موضوع مبانی انسان‌شناسی پیشرفت، در حکمت متعالیه، پرداخته است؛ روش ما در این تحقیق، بیشتر از نوع کشفی است. آن‌هم از اسناد و مدارک و کتب دست‌اول فلاسفه و علمای حکمت متعالیه، خصوصاً ما عداً؛ لذا پس از گذر کوتاهی بر مبانی انسان‌شناسی پیشرفت و توسعه غربی، با رویکرد بنیادی با بررسی توصیفی تحلیلی، به کتب اصلی حکمت متعالیه مراجعه نموده و تعریف دقیقی از انسان و قوای او به دست خواهیم آورد؛ سپس وجه تمایز و مهم‌ترین قوای انسان را نسبت به سایر موجودات، شناسایی خواهیم کرد و انسان کامل را در تکامل آن قوا، جستجو می‌نماییم. در نهایت مبانی پیشرفت و توسعه انسان را برای رسیدن به آن انسان کامل، طرح‌ریزی خواهیم نمود.

مقدمه

تحول در حیات سسانی و نظام اجتماعی او موضوعی است که همواره مورد توجه اندیشمندان حکمت متعالیه بوده است. یک ملت، اگر بخواهد زندگی کند، نیاز به انواع سرمایه‌ها دارد، که یکی از آنها سرمایه‌های اقتصادی است. ولی کدام سرمایه از همه‌ی سرمایه‌ها بالاتر است؟ سرمایه‌ی انسانی. هر انسانی برای خودش یک معدنی است و به اندازه‌ی معدن فیروزه و طلا ارزش دارد. اگر ملتی این رزبه در دستش آمده باشد، این معمار را حل کرده باشد، این توانایی و توفیق را پیدا کرده باشد که بتواند از انسان‌هایش استفاده کند و آنها را بسازد، گرچه آن ملت هیچ چیز نداشته باشد، ولی همه چیز دارد.

الان بعضی از این کشورهای اروپایی این طعم می‌فستند. مثلاً انگلستان یک کشور تهی و خالی است که نمکش را هم باید از خارج بیاورند، همه چیز را باید از بیرون وارد کنند، ولی به ارزش یک چیز پی برده است، به ارزش ساختن افراد خرد، این معدن‌های انسانی را خوب کشف کرده‌اند. وقتی این معدن‌ها را استخراج و آماده می‌کنند، دیگر باک ندارند که هیچ چیز ندارند و همه چیز باید از بیرون بیاید. می‌گویند ما آدم داریم، دم که داریم همه چیز داریم، ولی اگر آدم نداشته باشیم هیچ چیز نداریم. به عبارت دیگر، حوریت توسعه و پیشرفت در حیات دنیوی با انسان و نگرش او است؛ لذا اسلام توسعه را کاملاً ترغیب و تشویق کرده است؛ منتهی توسعه در اسلام دارای دو نوع متفاوت است. یک نوع، توسعه‌ی تکاثری است که اسلام در همه جا آن را مذمت کرده است؛ و یک نوع دیگر، توسعه‌ی کوثری است که اسلام در همه جا از آن حمایت کرده است.

توسعه‌ی کوثری آن است که «پایدار» و «همه‌جانبه» باشد. معنای پایدار، آن است که نسل آینده را هم در نظر داشته باشد. مثلاً باید مشخص شود که آنچه در کشور وجود دارد، کدام سرمایه است و کدام درآمد؟ مثلاً کشوری که دارای نفت است، اگر دولت آن بخواهد کشور

را با نفت فروشی اداره کند، این آغاز ورشکستگی است. در نظام سرمایه داری، کل ثروت در دست اغنیاء است. بقیه عملاً هیچ! سوسیال بلشویک ورشکسته ی شرق نیز همین گونه بود. اما در این دومی، سرمایه دست دولت و دولت سالاری بود. کل سرمایه ی اتحاد جماهیر شوروی که بخش وسیعی از شمال و شرق و غرب کره ی زمین را فرا گرفته بود، در دست دولت بود. این هم جزء تکاثر مذموم است. هر دو نظام منحوس غربی و شرقی تکاثری است بر این اساس شاخص های توسعه تکاثری عبارت است از:

۱- همه جا به باشد: مبادا ثروت در دست گروهی خاص قرار گیرد بلکه مانند خون بین مردم دور بزند.

۲- پایدار باشد: توسعه، همه ابعاد، باید نسل آینده را در نظر داشته باشد.

۳- حفظ سرمایه و پرداختن به کارهای خام فروشی: هزینه های جاری باید از ارزش افزوده و کار به دست بیاید نه از فروش سرمایه و کار خام.

۴- مزدوری و اجیرشدن مغفول است. توسعه ی تکاثری، همین که برای کسی کار پیدا کردیم و او را اجیر ساختیم، می‌گیریم تا مل شده اما این شغل، با کراهت است. اما توسعه ی کوثری با کرامت همراه است. طبق «کتاب الحیثه» کافی، کسی که خود را مزدور کند، روزیش را کم کرده است. اگر شما درآمد داری، برای خودت کار کن!

۵- توسعه در مصرف و چشم و هم چشمی، مذموم است.

۶- تحقق الگوی توسعه ی کوثری، وظیفه فرد و جامعه ی اسلامی: طبق آیه ی ۶۱ سوره مبارکه هود، ذات اقدس الهی فرموده است: «هو أنشأكم من الأرض و استعمرکم فیها». او شما را از زمین آفریده و بالا برده و شما را استعمار کرده است. ه استعمر یعنی خواهان عمارت. قداست این واژه در قرآن برای این است که ذات اقدس الهی با ما به ریزمینی و با برکات روزمینی، همه ی امکانات را در زمین خلق کرده است. او در زمین آب پاک و پاکیزه قرار داد؛ چه در درون و چه در بیرون و به ما هم عقل، قدرت، استعداد و امکانات داد. همه ی امکانات را برای ما فراهم کرد و از ما خواست زمین را آباد کنیم؛ آقای خودمان باشیم و نیازمند دیگری نباشیم.

۷- شاخص غنا و فقر متناسب با هر عصری تغییر می‌کند.

شهید مطهری نیز در کتاب اسلام و مقتضیات زمان، با نگاه نقادانه به توسعه، تغییرات ناشی از توسعه را به دو بخش تقسیم می‌کند، که بخشی را قابل قبول، و بخشی را غیر قابل قبول

و غیرقابل جمع با اندیشه‌ی اسلامی می‌داند؛ به اعتقاد ایشان باید ببینیم آنچه در زمان پیدا شده «آیا محصول عقل و علم بشر است یا چیز دیگری دخالت کرده است؟». شما هر چیزی را که دیدید در زمان پیدا شد، اگر روی آن حساب بکنید، گاهی می‌بینید صددرصد محصول علم و عقل است، و گاهی می‌بینید محصول علم هست، اما نه علم آزاد بلکه علم بیچاره‌ی اسیر. (مطهری، ۱۳۶۶: ۴۲)

لذا «اسلام از طرفی با انحرافات زمان شدیداً مبارزه می‌کند و از سوی دیگر با پیشرفت واقعی زمان پیش می‌رود. نه تنها با پیشرفت زمان پیش می‌رود، بلکه زمان را رهبری می‌کند و خودسر زمان را جلو می‌برد.» (همان: ۱۴۱)

همچنین بر اساس حکم متاله، علامه طباطبائی، شناخت سرمایه‌ها و اهداف انسانی و رشد و تقویت آن، از راه تحول مداوم در روابط، قوانین و ابزار حیات، مهم‌ترین عامل توسعه و پیشرفت جامعه است. هر کجا و در هر جامعه‌ای، این سرمایه شناخته و به کار گرفته شود، می‌تواند توسعه و پیشرفت بیافریند (ر.ک. به: طباطبائی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۵۳۳-۵۴۲؛ همو، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۷۵-۲۸۰؛ ج ۲: ۱۴-۱۴۱؛ همو، ۱۴۱۵: ۲۴-۲۳).

تمدن ایرانی در خود، سازوکار بزرگ‌ترین اپراتوری دنیا قبل از اسلام و پیشروترین نظام علمی بعد از اسلام را پرورانده و شخصیت‌های فاخری را در حوزه‌های مختلف علمی، اجتماعی، سیاسی و نظامی داشته است. این که در برهه‌هایی از تاریخ دچار افول و گرفتار فقر علمی به شکل عام و فقر تئوری و نظریه‌پردازی به طرز خاص شده است، بسیار آزاردهنده و برای کسانی که به هویت اسلامی ایرانی خود دل‌بستگی دارند، مسئله‌ای اساسی و جدی است. بنا بر نظر متفکران و محققین، از عوامل عمده‌ای که باعث افول و انحطاط تمدن اسلامی ایرانی شده‌اند به این موارد می‌توان اشاره نمود:

۱- استبداد، خودکامگی، فساد و عدم پاسخگویی حکومت‌ها و تبعیض طبقاتی و ستم به مردم. (ویل دورانت، ۱۳۷۸: ۷۰؛ زرین کوب، ۱۳۶۲: ۱۵۷)

۲- انحراف از تعالیم وحی و گسترش خرافات و برداشت‌های غلط از دین مثل تقوا، دنیاگریزی، سرنوشت، انتظار، تصوف. (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۶-۲۷؛ علمداری، ۱۳۸۱: ۲۸۹)

۳- گسترش تعصبات قومی و مذهبی و خدشه‌دار شدن وحدت، هویت و انسجام ملی و مذهبی. (قاضی مرادی، ۱۳۸۰: ۱۴۴)

۴- تفرقه و جنگ‌های داخلی بر سر قدرت. (مطهری، ۱۳۸۴ (الف): ۲۷۳)

۵- کاهش عقلانیت و آگاهی جامعه با به حاشیه راندن حکما و فلاسفه و حذف نظارت عمومی در چهار دوره، متوکل عباسی، سلجوقیان، اوایل دوره مغول و صفویه. (صفا، ۱۳۶۶: ۷-۱۳۴)

۶- جنگ‌های صلیبی (گوستاولوبون، ۱۳۵۸: ۳۹۷-۴۰۳)

۷- حمله مغول و کشتار فاجعه‌بار و وسیع مردم، کتاب سوزی و تخریب زیرساخت‌های کشاورزی و شهری. (ویل دورانت، همان: ۴۲۳-۴۳۱)

۸- دخالت یگانگدن در امور داخلی با استعمار و استثمار. (علمداری، همان: ۳۶۰-۳۶۳)
در اولویت بندی دلایل فوق، ذکر این نکته از توین بی فیلسوف تاریخ، بسیار راهگشا خواهد بود که افول تمدن زمانی اتفاق می‌افتد که در جامعه متمدن، آفرینندگی از بین برود. موتور محرک تاریخ، انسان‌ها هستند و زمانی که گروه کم شمار پیشتاز توانا نباشد تا به اندازه‌ی کافی نیروی خلاق برای رویدادها و شکلات پدید آورد زمینه افول ایجاد می‌شود و رهبران جامعه به گروه سست‌مگر بدل می‌گردند و در نتیجه وحدت اجتماعی از بین می‌رود و تمدن روند قهقریایی را می‌پیماید. (ویل دورانت، ۱۳۶۱: ۶۵) از طرفی طبق نظر ویل دورانت، تمدن‌ها زاده‌ی روح بشر یا همان فرهنگ در طول تاریخند. (همان: ۲۶۳) لذا افول تمدن با وضعیت فرهنگ جامعه ارتباطی نزدیک دارد و زمانی که واپس‌گرایی و نشیب فرهنگی رخ داد دشمن خارجی نیز حمله‌ور می‌شود و باقی‌مانده روح فرهنگی و جمعی را از بین می‌برد و گاهی مظاهر تمدن را نیز نابود می‌کند.

لذا می‌توان گفت که در حال حاضر عدم آفرینندگی جامعه‌ی ما در زمینه‌ی علوم انسانی خصوصاً علوم اجتماعی، بزرگ‌ترین مانع پیشرفت و حرکت به سوی قله‌ها، تمدن اسلامی ایرانی است؛ بنابراین جامعه‌ی ما برای خروج از این وضعیت و علاج بحران فرهنگی و نبود روحیه آفرینندگی، چاره‌ای جز رشد و توسعه‌ی علوم اجتماعی و تبدیل «الگوسازی اسلامی ایرانی پیشرفت» به یک گفتمان مسلط و غالب در سطح عمومی نداشته، ندارد و نخواهد داشت.

عقل راهنماست به سوی زیبایی‌ها، خوبی‌ها، ارزش‌ها، راستی‌ها و پرهیز دهنده از خطر‌ها. از این رو در قرآن به خردورزی^۱، اندیشیدن^۲، به علم دین آگاه شدن^۳ و فرزاندگی^۴، سفارش

۱. سوره یوسف، آیه ۲

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۹۳

۳. سوره توبه، آیه ۱۲۲

۴. سوره نسا، آیه ۸۲

بسیار شده است و در فقه اسلامی عقل، یکی از منابع چهارگانه اجتهاد به شمار می‌رود که اجتهاد بدون در نظر گرفتن این رکن مهم و پایه‌ی استوار، ناتمام است. امام صادق (علیه‌السلام) درباره جایگاه عقل در اسلام در پاسخ پرسنده‌ای که می‌پرسد: عقل چیست؟ می‌فرماید: [عقل] چیزی است که به آن خداوند عبادت می‌شود و بهشت به دست می‌آید. آن حضرت در ادامه در پاسخ به این پرسش که پس آنچه معاویه به کار می‌بست چه بود؟ فرمود: آنچه او داشت نیرنگ و شیطنیت بود و آن شبه عقل بود نه خود عقل (کلینی (بی‌تا)، ج ۱، ح ۳).

لذا عقل ریخته در بندگی دارد. عقل و بندگی، عقل و اخلاق، عقل و ارزش‌ها و عقل و تقوا پیوند ناگسستنی دارند. هرگاه عقل با یکی از این‌ها که برشمرده شد و صدها ارزش والای دیگر همراه نباشد از مدار خارج می‌شود و جامعه را به نیرنگ می‌آلاید و تبدیل به سودجویی، استثمار، تبعیض و به بردگی واداشتن دیگران می‌شود. علم و فناوری که دستاورد عقل و خرد است، اگر به عقل سالم، عقل به دور از هوی و هوس، عقل به دور از آلودگی‌ها و در یک کلام عقل بندگی، به کار گرفته نشود فاجعه به بار می‌آورد. از نگاه آموزه‌های وحیانی و عقلانیت بر مبنای عقل سالم عقل محور جامعه انسانی، عقل راهنما به سوی نیکی‌ها، زیبایی‌ها، ارزش‌ها، عقلی است که با اخلاق همراه و هم‌خانه و هم‌زاد است و جدایی بین آن‌ها در پندار ننگجد. عقلانیت که راز انسانیت انسان نادیده گرفته شود و برتری‌ها و والایی‌های او به فراموشی سپرده شود عقلانیتی است ابزاری، خشک و سوگمندان. عقلانیت و اخلاق به گونه‌ای به هم تنیده شده که -اسازی آن دو از یکدیگر کاری ناشدنی است.

توجه به مفاهیمی چون تمدن اسلامی ایرانی، الگوی پیشرفت، آفرینندگی، عقل و وحی، علم و دانایی، مدینه‌ی فاضله مهدوی، نگارنده را به سوی اندیشه‌ی صدرالمتألهین رهنمون می‌کند. به حق می‌توان گفت ملاصدرا بارو حیه‌ی آفرینندگی و تلفیق استدلال و شهود عقلی و وحی به علم و دانایی واقعی دسترسی پیدا نمود و مبانی و زیرساخت‌های یک الگوی پیشرفت متری را برای شکل‌گیری تمدن عظیم اسلامی ایرانی در اختیار آیندگان قرار داد.